



منشآت منصب قضا و جایگاه قاضیان تیموری در خطه خراسان بزرگ و انعکاس آن در نگارگری

محمد رضا بختیاری نیازآبادی^۱، حسین خسروی^۲ , سهراب اسلامی^۳، ابوالفضل حسن آبادی^۴

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، گروه الهیات، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران، mohammadbakhtiari105@gmail.com
^۲ نویسنده مسئول) استادیار گروه معارف، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران، hosseinkhosravi193@gmail.com
^۳ استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، s-eslami@iau-arak.ac.ir
^۴ مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، ahasanabadi1@yahoo.com

چکیده

منشآت یا نامه‌های تاریخی از ابزارهای اداره امور دیوانی در تاریخ ایران بوده‌اند. بازشناسی متن این آثار گامی مهم در آگاهی از رازهای موجود در ساختار اداری کهن است. یکی از ارکان مهم ساختار اداری در جامعه ایران در دوره اسلامی، نظام قضایی بوده است. برقراری عدل یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی در جامعه مسلمانان به شمار می‌رود و شاهان به عنوان نماینده عدالت خداوند بر زمین خود را مسئول برپایی عدالت می‌دانستند. این مهم از طریق مناصب شرعی و مذهبی به خصوص قضاوت ممکن می‌شد. در این پژوهش به بررسی اسناد انتصاب قاضیان در دوره تیموری در خراسان بزرگ موجود در منشآت مهم این دوره پرداخته شده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های آرشیوی و کتابخانه‌ای است انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قاضیان با توجه به اسناد و منابع باقیمانده، طیف وسیعی از اختیارات را از جنبه شرعی و عرفی در جامعه به عهده داشته‌اند و با توجه به ویژگی شرایط انتخاب قاضی، ارتباط مستقیم با مردم و ارتباط با دربار از جنبه حکومتی و مذهبی مورد توجه بوده‌اند. برخی از این قاضیان ضمن حمایت از هنرمندان در زمره شعراء، هنرمندان و نویسندگان بزرگ دوره تیموری محسوب می‌شدند. واکاوی نگاره‌های تاریخی موجود بر اهمیت این منصب تأکید دارد.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی وضعیت عدل و دادگستری در دوره تیموری.
 ۲. بررسی نقش منشآت در واکاوی نقش قاضیان و انعکاس آن در نگارگری.
- ### سؤالات پژوهش:
- ۱- نظام قضایی ایران در تیموری چه وضعیتی داشت؟
 - ۲- منشآت چه نقشی در اختیارات قضات دوره تیموری و بازشناسی وظایف آن‌ها دارند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۰

دوره ۱۷

صفحه ۵۴ الی ۷۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۹

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

خراسان بزرگ، دوره تیموری، قاضی، منشآت، نگارگری.

ارجاع به این مقاله

بختیاری نیازآبادی، محمد رضا، خسروی، حسین، اسلامی، سهراب، حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). منشآت منصب قضا و جایگاه قاضیان تیموری در خطه خراسان بزرگ و انعکاس آن در نگارگری. هنر اسلامی، ۱۷(۴۰)، ۵۴-۷۱.



[dori.net/dor/20.1001.11735708.1399.17.40.4.4](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.215543.1142)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.215543.1142](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.215543.1142)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین پایه‌های حکومت اسلامی عدل است و شاه با برشمردن خود به عنوان نماینده خدا در زمین، وظیفه خود را برپایی عدالت و داد و رعیت‌پروری می‌داند. این مسئله در دیدگاه و تفکر اندیشمندان اسلامی و ایرانی مانند خواجه نصیر طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به عنوان یک اصل مهم مطرح بوده است. قضاوت در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار بوده و با سیاست‌های مذهبی هر دوره پیوند داشته است. قاضی به عنوان مسئول اجرای عدالت مهم‌ترین رکن و بازوی شاه به حساب می‌آمد و وظایفی مانند تمشیت امور دینی، برپای حقوق شرعی، زناشوی میان مسلمانان و عدل گستری از وظایف قاضی در اسلام محسوب می‌شده است. درباره احکام و فرامین این دوره منشآت بر جای مانده است. واکاوی و بررسی این اسناد و منشآت می‌تواند ماهیت قضاوت و مقام قاضی را در این دوره روشن سازد لذا این پژوهش در صدد بررسی این منشآت برآمده است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که درباره قضاوت و آیین دادرسی در اسلام و ایران برخی تحقیقات مانند کتاب «آیین دادرسی در اسلام و ایران» و «سازمان قاضی‌القضات در جهان اسلام» (ساکت، ۱۳۷۹) به رشته تحریر در آمده است که نویسنده در این دو اثر به تفصیل به وضعیت قضاوت در جهان اسلام پرداخته است. پژوهش دیگری با عنوان «نظام قضایی در ایران بعد از اسلام» (امین، ۱۳۸۱)، انجام شده است اما در دوره تیموری پژوهش‌های اندکی درباره قضاوت به سرانجام رسیده است که می‌توان به پایان‌نامه نظام قضایی و آیین دادرسی در دوره تیموری (سمایی دستجردی، ۱۳۸۸) اشاره کرد. مقاله‌ای با عنوان «سیاست قضایی عصر تیموری» (اللهیاری و همکاران، ۱۳۸۹) نگاشته شده است که نویسنده در آن به بررسی قضاوت در دوره تیموری پرداخته است ولی در این مقاله تأکیدی بر منشآت نشده است. مقالاتی نیز با عناوین «آیین محاکمه و مجازات در دوره تیموریان» (دستجردی و عابدین پور، ۱۳۹۱)، «بازتاب شریعت‌مداری حاکمان تیموری در عملکرد محتسبان این عصر» (سپهری، یگانه: ۱۳۹۴) می‌توان اشاره کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اسناد به صورت موردی در تحقیقات ذکر شده و دیگر پژوهش‌ها استفاده شده است اما اولین باری است که به صورت متمرکز و به همراه تجزیه و تحلیل، بررسی تطبیقی و توجه به جنبه‌های سندشناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای است و تلاش می‌شود تا به سؤالات پژوهش درباره علت انتخاب، شرایط انتصاب و عزل و نصب قاضیان با تکیه بر اسناد این دوره پاسخ داد شود و به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مسائل جامعه، انعکاس آن در نگارگری این دوره بررسی گردد. در این مقاله نشان‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه نشان قضاوت در عبارات منشور قضا و ممالک و ذکر شرایط منصب قاضی القضا، حکم قضاوت شاه شجاع قاضی شهاب‌الدین مسعود در شیراز، منشور قاضی‌القضاتی هرات برای عبدالله و محمد الامامی، منشور قاضی‌القضاتی هرات برای محمد الامامی در نشان قضاوت برای غیاث‌الدین محمد شافعی (منشآت شرف). نمونه حکم قضاوت به تاریخ ۹۳۲ق. حکم قضاوت مولانا تاج‌الدین مسعود و مولانا کمال‌الدین عبدالمنصور در شبرغان، حکم قضاوت برای قاضی نظام‌الدین در هرات، منشور قاضی‌القضاتی هرات برای نورالدین و قطب‌الدین محمد الامامی، نشان قضاوت امیر اختیارالدین حسن در هرات و ممالک خراسان، نشان قضاوت غیاث‌الدین محمد شافعی در هرات، نمونه نشان قضاوت شهاب منشی، نشان قضاوت امیر

اختیارالدین حسن در هرات و ممالک خراسان در سال ۸۹۰ق، نمونه نشان قضاوت مولانا تاج‌الدین مسعود و مولانا کمال‌الدین عبدالمنصور، نشان قضاوت غیاث‌الدین محمد شافعی در هرات، نمونه نشان قضاوت در دوره صفویه و مجموعاً ۲۰ نشان در این جا مورد بررسی قرار گرفته است که هشت مورد از آن‌ها نمونه و بدون عنوان است. احکام از دوره‌های مختلف زمانی دوره تیموری انتخاب شده است تا با بررسی تطبیقی محتوایی متن اسناد امکان سنجش تغییرات محتوای در ارکان مختلف مؤلفه‌های درونی سند امکان‌پذیر گردد. این اسناد از منشآت مختلف با مؤلفانی از پایگاه‌های مختلف اجتماعی انتخاب شده است. محتوای فرامین آورده شده علی‌رغم برخورداری از متن مشخص با توجه به قلم نویسندگانشان از ساختار متفاوتی برخوردار است. در این مقاله مؤلفه‌های درونی سندشناسی مانند تحدیدیه، رکن مطلع، متن و اختتام است که البته اجزای آن در منشآت به‌صورت کامل نیامده است اما قابلیت بررسی دارد. عموم اسناد رونوشتی از اصل اسنادی است که در این دوره صادر شده است و نویسندگان منشآت مانند باخرزی به‌دلیل کار در دیوان دسترسی به اقدام به آوردن آن‌ها در کتاب‌های خود نموده‌اند.

۱. خراسان بزرگ در دوره تیموری

خراسان بزرگ یکی از مراکز اصلی فرهنگ و هنر در تاریخ ایران به شمار می‌آید. این سرزمین مرزهای جغرافیایی آن در طول تاریخ تغییرات زیادی کرده است. در دوره تیموریان گستره تاریخی خراسان شامل استان خراسان در ایران کنونی و بخش‌های زیادی از افغانستان و ترکمنستان امروزی بوده است و در مفهوم گسترده‌تر ازبکستان و تاجیکستان و بخش‌هایی از قرقیزستان و قزاقستان را هم می‌توان در قلمرو خراسان بزرگ تاریخی به حساب آورد. در دوره تیموریان در خراسان بزرگ فرهنگ و هنر رشد زیادی کرد. تیمور به صنعتگران و هنرمندان توجه ویژه‌ای مبذول داشت به‌طوری‌که در حملات خود، صنعتگران و هنرمندان را جدا و آنها را به مرکز حکومتش یعنی سمرقند منتقل می‌کرد (مهجور، ۱۳۹۴: ۳). بنابراین در دوره حکومت تیمور تا حدی زمینه برای اعتلای فرهنگی فراهم گردید.

شاهرخ پسر تیمور نیز سعی وافری در ساختن خرابی‌ها و گسترش فرهنگ داشت. وی دیوارهای هرات و مرو را ساخت، دانشمندان و ادیبان و ارباب صنعت و هنر را گرامی می‌داشت. در دوره بایسنقر نیز روند رو به رشد ادامه یافت، به‌عنوان مثال، نخستین جلد معرق تذهیب توسط استاد آن عصر یعنی مولانا قوام‌الدین شاهنامه ابداع و ساخته شد (حبیبی، ۱۳۵۵: ۴۴۹-۴۵۰).

شهر هرات به عنوان مرکز فکری و تمدنی در این دوره مطرح است. مدارس هرات مشحون از دانشجویان، گنجینه‌های کتابخانه‌ها مملو از نفایس کتب، حلقه‌های درس استادان بزرگ در زیر گنبد‌های مرتفع و در کنار صفه‌های دلگشای مساجد و مدارس دائر، و هزاران دانشجویان که از اطراف و اکناف جهان برای تحصیل علم و ادب بدان شهر روی آورده بوده‌اند و به اکتساب معارف و آداب سرگرم، و اهل تصوف و عرفان در خانقاه‌ها و لنگرها به رهبری و هدایت مشایخ و اقطاب بزرگ مشغول بودند و تاریخ خراسان در این عصر یکی از فصول درخشان خود را طی کرد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲، ۹۹). این اوضاع و شرایط مناسب فرهنگی و هنری، به ویژه در دوره حکومت سلطان حسین بایقرا که نزدیک به چهل سال حکومت کرد، زمینه‌های مناسبی را در جهت توجه به فرهنگ و هنر مهیا کرد. بایقرا محل‌های مخصوصی برای اجتماع هنرمندان برپا کرد. از جمله بعد از استقرار در هرات ابتدا دستور داد باغ بزرگی به نام باغ مراد

که بعداً تبدیل به باغ جهان آرا شد احداث نمایند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۰۰۹/۲). در تصویر شماره ۲، چشم‌اندازی از باغ او ثبت شده است.

دوره سلطان حسین بایقرا یکی از دوره‌های درخشان در زمینه فرهنگ و اقتصاد در دوره تیموری به شمار می‌رود. وی که حتی قبل از رسیدن به حکومت در زمره حامیان فرهنگ و هنر به شماره می‌آمد در خلال حکومت خود (۸۶۱-۹۱۱ق) خدمات زیادی در خراسان و خصوصاً هرات انجام داد. به دلیل امنیت نسبی در خراسان و هرات هنرمندان، دانشمندان و صنعتگران به خراسان مهاجرت کردند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲، ۱۰۰). با این تفاسیر می‌توان گفت خراسان در دوره تیمور و جانشینان او یکی از مهمترین ادوار تاریخی خود را از نظر تمدنی پشت سر گذاشت. ۲. منصب

قضاوت و شرایط آن در دوره تیموری

یکی از موارد مهم درباره قاضیان در دوره تیموری، جایگاه آن‌ها در بین دیگر طبقات و خصوصاً طبقات مذهبی و شرایط عزل و نصب آن‌هاست. این طبقه‌بندی بین قاضی‌القضاة هرات، قاضی‌القضاة هرات و ممالک خراسان، قاضی القضاة خراسان، قاضی هرات و قضاة ولایات متفاوت بوده است. طبقه‌بندی قاضیان در دوره تیموری فلقشندی قاضی‌القضاة را در بین مناصب دینی از همه بالاتر می‌داند (فلقشندی، ج ۴: ۳۵). القابی که برای قاضیان در اسناد و کتاب‌های این دوره به کار رفته است، بیانگر مرتبه بلند اجتماعی آنان می‌باشد. در القاب به تبع شخصیت و جایگاه فرد ممکن بود عناوین مختلفی استفاده گردد. از جمله در زمانی که قاضی سید است کلمه سیادت مآب به کار رفته است و یا در نشان قاضی اختیار به حدیث سلسله‌الذهب و آیه تطهیر اشاره نموده است (منشآت ناشناخته، ۹۸). القاب رابطه نزدیکی با شرایط یک قاضی ایده‌آل دارد. کلماتی مانند شریعت مآب، قدوه الفضلاء، قدوه العلماء و المجتهدین، مقتدای افضل‌اعلم، معالی نصاب، قدوه‌الاشراف، زبده‌البلغا، مستجمع‌الفنون، مستکمل‌العلوم‌النقلیه، اعظم‌اورع اشاره به صفات یک قاضی ایده‌آل مانند پیمودن راه شریعت، فقیه و اعلم مجتهدین بودن، دارای نسب عالی، قدرت وعظ و سخنوری، باسواد و عالم بودن و اشتها به زهد و پرهیزگار دارد. زندگی برخی از قاضی‌ها با شرایط ذکر شده در القاب نزدیکی دارد از جمله اعلم بودن، با توجه به این که برخی از این قضات مانند نظام‌الدین محمد گازرگاهی در مدرسه غیاثیه و مولانا نظام‌الدین عبدالقادر از سادات و بزرگان هرات که تدریس در یکی از مدرسه‌های سلطانی را بر عهده داشته‌اند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۵۴/۴). شعر و شاعری که در القاب به زبده‌البلغا اشاره داشت در بین قاضیان مشهور این دوره معمول بوده است و حسن طبع و جودت شعر در زمره ویژگی‌های آن‌ها است. از جمله "مولانا عبدالوهاب مشهدی مردی دانشمند و ذو فنون و قاضی شهر مشهد بود و در فن انشا و شعر نظیر نداشت و ظرفاً و شعراً مشهد شاگرد او بودند" (نوایی، ۱۳۶۳: ۹۳).

القابی که در منشآت آموزشی برای دبیران در این دوره ذکر شده تا حد زیادی با محتوای اسناد همخوانی دارد. کاشفی قاضی را در ردیف طبقه دوم با سادات و مشایخ ذکر نموده است (کاشفی، ۱۶). در ترسل مروارید مفتی الشریعه، صاحب‌المله الحنفیه، افضی القضاة الحکام، مبین‌الحلال و الحرام، صاحب‌الحکام و الفتوی، وارث علوم الانبیا و المرسلین (ترسل مروارید، ۵۰). در بدایع‌الانشا شریعت‌پناه در تقویت ارکان اسلام، وسیله صلاح و سداد خواص و عوام، عالیجاه قاضی انام مرجع اهالی ایام، فضیلت شعار شریعت آثار، قاضی اسلام آمده است. به نظر می‌رسد قاضی‌القضاة در پایتخت و قاضی

ولایات بعد از مناصبی مانند صدر و وزیر در زمره رجال مهم محسوب می‌شده‌اند. دلیل انتصاب قاضیان معمولاً به دلیل عمومی وظیفه شاه برای برقراری عدالت و اختصاصی برای شرایطی است که یک قاضی برای ادای وظیفه باید دارا بوده است. توجه به بدست آوردن رضایت خداوند در برپایی عدل از مسائل مورد توجه پادشاهان تیموری بود. این امر در خطاب اسناد که معمولاً بعد از کلماتی مانند چون و یا بنابراین و باجملاتی مانند مسئول برقراری عدالت، رعایت و تمشیت امور دینی را که باعث قوام سلطنت بر می‌شورد (منشآت ناشناخته، ۹۶). وظیفه شاه در تمشیت احکام و محافظت و رعایت امور اموال مسلمانان و خواست خداوند و جانشین خداوند در زمین و مسئولیت شاه در تقویت شریعت غرا و تقویت ملت بیضا می‌آید. در واقع دوام پادشاهی و بقای سلطنت بسته به عدالتی است که یکی از اسباب آن انتخاب قاضی می‌باشد (شهاب منشی، ۱۳۵۷: ۲۰۸). این رویکرد مورد توجه بیشتر پادشاهان تیموری و از جمله شاهرخ بود از دیگر مسائل مهم در گماردن قاضیان توجه به راه و روش پیامبر است که در فرامین گاهی پر رنگ دیده می‌شود و شاهرخ نیز بدلیل اعتقاد به روش و عملکرد پیامبر در این زمینه ملایم بود (پار شاطر، ۱۳۳۴: ۴۷) شاهرخ قوانین یاسا در سال ۸۱۵ لغو و قوانین شریعت اسلامی را جایگزین آن نمود.

در دوره تیموریان، گاه قاضیان براساس شایستگی‌ها و مهارت‌هایشان به این شغل منصوب می‌شدند و گاهی نیز افراد با پرداخت رشوه موفق به کسب این منصب می‌شدند. برای مثال در دوره سلطان حسین بایقرا، قاضی جرجان با دادن خری به عنوان رشوه به صدر، به این منصب دست یافت. که در سروده سید عبدالحق استرآبادی آمده است (نویسی، ۱۳۶۳: ۲۲۰). در محتوای اسناد اشاره ضمنی به شرایط اهلیت فرد برای دارا بودن منصب قضاوت شده است. مواردی مانند سابقه خاندانی، دارا بودن اهلیت و کشف غوامض دینی (خوافی، ۱۳۵۷: ۱۱۱). علو نسب، سمو حسب و صحایف دانشوری (منشآت گمنام، شماره ۸۵۵۲۹)، دارا بودن فضائل، زهد، عفاف، ورع، انصاف (نسفی، ۱۳۸) که در شرح حال برخی از قاضیان این دوره مانند نظام‌الدین احمد گازرگاهی و با خاندان امامی به آن اشاره شده است. انتصاب قاضیان مربوط به طبقه خاصی نبوده است و جدا از موروثی بودن قضاوت که به آن پرداخته می‌شود قاضیان از طیف متفاوتی با دارا بودن شروط خاص انتخاب شده‌اند. امکان تجدید حکم قضاوت نیز وجود داشته است، چنان‌چه در انتصاب قاضی تاج‌الدین مسعود و عبدالمصور اشاره به حکم شاهان سابق و تجدید مجدد حکم قضاوت آن‌ها شده است (خواندمیر، ۲۷۴) از اجبار در پذیرش قضاوت نیز به کرات در منابع تاریخی یاد شده است. برخی به دلیل شرایط سیاسی، اجتماعی حاضر به پذیرش منصب قضاوت نبودند و بزور وادار به پذیرش آن می‌شدند.

در دوره تیموریان، گاه افرادی که به منصب قضاوت شهر منصوب می‌شدند که به دلیل داشتن عملکرد نامناسب و شکایت مرد عزل می‌شدند (نظامی باختری، ۱۳۷۱: ۳۰۵). قاضی ابوتراب در سیستان قاضی بود و در زمان سلطنت ابوتراب میرزا دیوانه شد و او را به زنجیر کشیدند (نویسی، ۱۳۶۳: ۱۴۶). مولانا ریاضی از ولایت زاوه و محولات و مدتی قاضی آن جا بود و به دلیل امور منافی معزول و به بند کشیده شد (همان، ۷۷). گاهی به دلیل فشار مقامات درباری و یا شاکیان قدرتمند و در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی استعفا می‌دادند، چنانچه قاضی نظام‌الدین احمد در دروه بایقرا این کار را انجام داد (واصفی، ۱۳۵۰: ۶۰/۲-۶۳). خواندمیر در این باره آورده که "قاضی نظام‌الدین محمد زبده اصحاب زهد و تقوی و قده ارباب درس و فتوی بود و در مدرسه اخلاصیه تدریس می‌کرد. بعد از استعفا از تدریس با اصرار یه

عنوان قاضی هرات منصوب شد و تا سال ۹۰۰ که فوت نمود در اختیار داشت" (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۸). همواره قاضیان تحت تأثیر فشار حامان و یا افراد صاحب نفوذ بوده‌اند که گاهی تسلیم و در مواردی مقاومت می‌کرده‌اند. شمس‌الدین محمد مسکین در قضیه جواهرات در برابر الغ‌بیگ مقاومت نمود و رای به نفع او نداد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۷/۴). به احتمال زیاد قاضیان از سوی صدور به مقام خود منصوب می‌شدند (ال‌بوا، ۱۳۴۳: ۷۵). در شعر استرآبادی نیز بر گرفتن پست از صدر اشاره شده است. بوات معتقد است که قاضی‌ها در زمان شاهرخ زیر نظر شیخ‌الاسلام بودند که بر امور آن‌ها نظارت می‌کرد (بوات، ۱۳۸۴: ۹۰). شرح وظایف قاضی با صدر و شیخ‌الاسلام همانندی داشته است و ارتباط کاری بین این سه مقام ممکن بوده بسته به قدرت افراد دارنده مقام فرق داشته باشد.

موروثی بودن یکی از دیگر راه‌های انتصاب قاضی در دوره تیموری است به نحوی که برخی از این خاندان‌ها چند نسل عهده‌دار قضاوت بوده‌اند. البته با توجه به منابع قضاوت همیشه شغل موروثی و دائمی نبوده است و امکان جابجایی بین مشاغل وجود داشته است. مولانا عبدالوهاب اسفرائینی که مدت قاضی هرات و سبزوار بود، منصب احتساب در اسفراین را به عهده گرفت (نویسی، ۱۳۶۳: ۴۲). مشهورترین خاندان قاضی در دوره تیموری، خاندان امامی است. درباره این خاندان امامی از مهم‌ترین قاضیان دوره تیموری بودند. اطلاعات مشخصی درباره سابقه این خاندان وجود ندارد و از اطلاعات پراکنده‌ای که در منابع تاریخی و برخی از اسناد مورد بررسی آمده می‌توان تا حدودی جایگاه آن‌ها را مشخص نمود. قطب‌الدین عبدالله امامی اولین فرد از این خاندان است که نام او در منابع ذکر شده است. وی در میان قضات خراسان به پاکدستی و دیانت معروف بود. باخرزی نقل کرده که نسب او به ابوبکر صدیق می‌رسد "لاجرم آن نسبت را ملاحظه کرده و نام خود را عبدالله امامی مکتوب می‌گردانید" (نظامی باخرزی، ۱۳۶۳: ۲۷۳). فرزند او صدرالدین امامی نیز قاضی هرات بود و به سال ۸۳۸ق. به مرض طاعون درگذشت و در آرامگاه خانوادگی در حظیره قضات امامی در گازرگاه دفن شد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۵۴۸/۳). ولد ارشد قاضی صدرالدین محمد به نام قاضی نورالدین محمد امامی پس از فوت قاضی قطب‌الدین احمد مورد توجه بایقرا قرار گرفت و "به لوازم منصب موروث قضا قیام نمود و در فیصل امور شرعی عنایت امانت و دینداری و نهایت پرهیزکاری ظاهر ساخت" امامی بعد از مدت ۱۸ سال که به آن شغل اشتغال داشت در ۲۰ جمادی‌الآخر سال ۸۹۱ ه. ق. وفات یافت و در گازرگاه مدفون گشت (اصیل‌الدین واعظ، ۱۳۸۶: ۱۹)

در منابع بر جای مانده از دوره تیموری به خصوص منشآت و وظایف و اختیارات متنوعی برای قاضی ذکر شده است. در این دوره اختیارات قضات ارتباط نزدیکی با شریعت و قوانین آن از یک سو و عرف و فرمان سطلاین داشت. یاسای چنگیزی نیز تا سال ۸۱۵ق. از مبانی مهم قضاوت عرفی در این دولت بود تا اینکه شاهرخ تیموری آن را لغو کرد. این واقعه تحول مهمی در قضاوت در این دوره بود (الهیاری، ۱۳۸۹: ۱۱). در منشالانشا مسئولیت قضاوت در هرات و توابع آن به عبدالله امامی و محمد امامی واگذار شده است. در متن نشان به سابقه قضاوت خاندان امامی اشاره شده است و قضاوت به صورت مشارکت در اختیار دو نفر قرار گرفته است. در متن اشاره‌ای به ارتباط دو نفر با هم نشده است اما به توجه به این که نام نورالدین محمد امامی در انتهای نشان آمده است احتمال زیاد برادر و فرزند نورالدین هستند (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۰۹-۱۱۱). در منشات آمده در منشات اسفزاری هم نمی‌توان ارتباطی بین این دو نفر پیدا نمود و فقط ذکر شده که به جای نورالدین محمد منتصب شده‌اند (اسفزاری، ۹۹-۱۰۱). نشان دیگری به اسم محمد

امامی برای قضاوت هرات به صورت انفرادی صادر شده است که تقدم و تأخر آن نسبت به نشان قبلی معلوم نیست (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۱۳-۱۱۵)

نسل دیگری از خاندان امامی از برادر قطب‌الدین عبدالله هستند. قاضی شمس‌الدین عبدالله بن جلال‌الدین ابوسعید بن مولانا شمس‌الدین عبدالله بن قاضی جلال‌الدین محمد امامی است که مدتی منصب قضا و سپس تدریس در مدرسه شریفه سلطانی را بر عهده داشت (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۳۷/۴). وی که به تصوف تمایل داشته و تابع سید احمد کبیر رفاعی بود وی مال خود را صرف فقرا احمدیه و مرشدیه می‌نمود در سال ۸۶۳ فوت و در حظیره امام فخر رازی دفن شد (واعظ، ۱۳۸۶ق: ۱۵۶). از همین خاندان قاضی قطب‌الدین احمد بن مولانا نورالدین محمد بن قاضی جلال‌الدین محمد از اواخر سلطنت شاهرخ تا اوائل حکومت بایقرا در هرات قاضی بود و طلاب نیز از او بهره می‌گرفتند در مزار مادر بایقرا ناگهان فوت و در مزار امام محمد رازی مدفون گردید (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۰۵/۴). از قطب‌الدین احمد به عنوان قاضی در دوره ابوسعید نام برده شده که مورد توجه وی بوده و در زمره اکابر و بزرگان محسوب می‌شده است (باخرزی، ۱۳۷۱: ۲۴۶). قاضی نظام‌الدین محمد گازرگاهی ولد ارشد حاجی محمد فراهی به زهد و تقوا و علوم عقلی و نقلی معروف بود و ۳۰ سال به تدریس در غیاثیه و اخلاصیه مشغول بود در گازرگاه مدفون شد. واصفی از نظام‌الدین به عنوان اقصی‌القضاة ولایت خراسان و فردی زاهد و متورع با دستار بلند و لباس‌های فاخر یاد می‌کند که به دلیل نکوهش وی توسط یکی از طرفین دعوی کار قضاوت را رها می‌کند و حتی با فرستاده شدن جامی و امیر علیشیر نوایی توسط بایقرا راضی به برگشت نمی‌شود و با اصرار شاه بر می‌گردد (واصفی، ۱۳۵۰: ۱۵۳/۲-۱۵۵). قاضی نظام‌الدین در مدرسه غیاثیه تدریس می‌کرد که حسب وقف‌نامه آن باید اعلم علمای هرات در آن تدریس می‌کرد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۳). نشان انتصاب وی به عنوان قاضی هرات در منشآت اسفزاری ذکر شده است اما به عنوان قاضی‌القضاة نیامده است (اسفزاری، ۹۴-۹۹). برادرش معین‌الدین واعظ برادر قاضی نظام‌الدین بیشتر به وعظ و خطابه در مسجد جمعه می‌پرداخت و ارتباطی با هیچیک از ارکان دولت نداشت بعد از فوت برادر مدتی به به اصرار قاضی بود و از آن استعفا نمود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۱). پدر آن‌ها نیز در مدرسه نظامیه به درس مشغول بود و داستان سختگیری نسبت به مال وقف و تنبیه پسرانش توسط واصفی آورده شده است (واصفی، ۱۳۵۰: ۱۶۰/۲-۱۶۲).

واعظی کاشفی را کمتر به عنوان قاضی می‌شناسند، چنانچه خواندمیر از قضاوت او یاد نکرده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۲). وی بیشتر به وعظ در هرات معروف بود، چنانچه در روز جمعه در دارالسیاده بعد از نماز جمعه در مسجد جامع علیشیر، سه شنبه در مدرسه سلطانی و چهارشنبه در سر مزار پیر مجرد وعظ می‌کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۴۵/۴). وی در سال ۹۱۰ فوت کرد از آثار او می‌توان به انوار سهیلی و اخلاق محسنی و روضه الشهداء اشاره نمود (واعظ، ۱۳۸۶ق: ۱۵۶). از دیگر قضاه معتبر دوره تیموری قاضی اختیارالدین حسن است. در تاریخ حبیب‌السیر نامش را قاضی اختیارالدین حسن، فرزند غیاث‌الدین تربتی نوشته است که در جوانی از زاویه تربت به هرات رفته و در آنجا به تحصیل علوم دینی می‌پردازد. وی بنا به فرمان سلطان حسین بایقرا، قاضی‌القضاة هرات می‌شود. حتی در زمان استیلای "شیک‌خان" به هرات نیز مقام وی در مسند قضا محفوظ بوده است. پس از کشته شدن محمدخان به دست شاه اسماعیل اول صفوی، به زادگاه خویش بازگشت و به کشاورزی پرداخت و در همانجا به بیماری سوءالقیه ضعف عمومی

بدن در گذشت و در آرامگاه پدرانیش به خاک سپرده شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۵۵/۴-۳۵۶). از کتب او می‌توان به شرح مقدمه‌الصلاحه و اساس‌الافتباس اشاره نمود. مهم‌ترین اثر او که جایگاه وی را در بین دیگر قضاه برجسته می‌سازد. تألیف کتاب مختار‌الاحیاء علی مذهب المختار، در فتوا و قضا و آداب و رسوم آن‌ها است. قاضی اختیار در دیباچه این اثر می‌نویسد: به هنگام تصدی امور فتوا و تکفل قضای هرات از وی خواسته شد تا کتابی به فارسی درباره آداب و رسوم آن امور بنویسد و وی مطالب این نسخه را از کتاب‌های فتاوی بیرون کشیده و نوشته است. این کتاب درباره شیوه قضاوت و منابع مورد استفاده قضات در دوره تیموری واجد ارزش است. فرمان انتصاب او به قاضی‌القضاة دارالسلطنه هرات و ممالک خراسان در منشآت خواجه عبدالله مروارید بدون تاریخ آمده است (مروارید، ۱۰۵-۹۹). همچنین در منشآت ناشناخته‌ای از این دوره که صورت حکم قاضی اختیار را به نقل از منشآت خواجه عبدالله آورده، تاریخ انتصاب وی ۹۰۸ ق. ذکر شده است (منشآت ناشناخته، ۹۸-۹۹).

۲.۱. اختیارات قضات در دوره تیموری

با توجه به دینی بودن منصب قضاوت و ارتباط آن با دین اسلام، تغییر چندانی در اختیارات قاضیان و قضای القضاة در طی قرون رخ نداده است و در اصول بین وظایفی که مستتر شد بالله برای قاضی‌القضاة تعیین نموده با آن چه در احکام مورد بررسی در این مقاله آمده، تفاوت محتوایی نداشته است. در این حکم مواردی مانند استفاده از کتاب خدا، پیروی از آیین پیامبری، برپایی نماز، رایزنی با دانشمندان و فقیهان، استفاده از نص قانون و در صورت نبود استفاده از فتاوی و احکام گذشتگان و در نهایت اجتهاد شخصی با رایزنی، بررسی و ادعای طرفین به طور مساوی، برپایی تعزیرات، نظارت بر امور یتیمان و زناشویی دادن آن‌ها، گمارن جانشینان عادل، گماردن کارکنان عادل مانند منشی و نگهبان و ایجاد دبیرخانه و مراقبت از کارهای حسبه اشاره نمود (ساکت، ۱۳۷۶: ۶۹). وظیفه اصلی قاضی قضاوت در محاکم بود که از طرق صدور رأی و نظارت انجام می‌گرفت و در کنار آن برخی کارهای جانبی مانند تدریس در مدارس را نیز داشتند (ساکت، ۱۳۶۵: ۲۲۰). در احکام در دو جا توصیه و دستور رعایت داده شده است. اول به فرد گیرنده فرمان به عنوان قاضی که چه مواردی را باید رعایت نماید و بیشتر جنبه اخلاقی و توصیه‌ای دارد. مانند به جای آوردن حقوق الهی، رعایت اوامر و پرهیز از نواهی، پرهیز از اسراف، امانتداری و حق‌گذاری (اسفزاری، ۹۷). رعایت ورع و انصاف و پرهیز از جور و اعتساف. میزان اختیارات قاضیان ربط وثیقی با رویه حکومتی سلاطین، نوع ارتباط آن با دربار و وضعیت سیاسی و اجتماعی هر دوره داشته است. ولی در دوره‌هایی که از جانب حکومت مرکزی نظارتی بر عملکرد قاضیان صورت نمی‌گرفت. به ویژه در دوره‌هایی که پس از مرگ شاهان بین شاهزادگان بر سر دستیابی به قدرت درگیری و نزاع به وجود می‌آمد؛ از میزان کارایی قاضیان در تأمین عدالت و امنیت کاسته می‌شد. در این دوره‌ها به دلیل عدم توجه و نظارت حکومت مرکزی بر نحوه عملکرد مراج قضایی، قاضیان فاسد و جاه طلب از فرصت استفاده کرده، باب ظلم و ستم را به روی مردم می‌شدند (واصفی، ۱۳۴۹: ۶۸/۱).

هدف این قاضیان از تصدی منصب قضاوت، کسب مال و افزودن بر جاه و مقام خودشان بود؛ بدین منظور بسیاری از آنان به اقدامات خلافی مانند گرفتن رشوه از متخاصمان و طرفین دعوی، تصرف در اوقاف و تصرف در اموال یتیمان، سفیهان و مجانین دست می‌زدند (میبیدی، ۱۳۷۶: ۱۴۰-۱۴۳). ضعف و عدم نظارت حکومت مرکزی

گاهی آن چنان کم رنگ می‌شد که مردم منتظر رسیدگی و صدور حکم قاضی نمی‌شدند و خصوصاً در جرم‌های بزرگ مردم کوچه و بازار او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند (واصفی، ۱۳۵۰: ۲۲۷/۲-۲۳۰). این مساله حتی در شعر شاعران این دوره نمود یافته است و طوسی شعری در مذمت قاضی طوس سروده است (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۵۵). البته در موارد زیادی قاضیان با درستکاری تلاش داشتند تا در برابر ظلم حتی در برابر پادشاهان ایستادگی و موجد انجام تحولاتی در زمان خود گردند. برخی از قاضیان دوره تیموریان افرادی زاهد، دیندار، امین، شجاع، جسور و دارای استقلال رأی بودند. این‌گونه افراد در امر قضاوت و دادرسی هرگز تسلیم ارباب قدرت و هوای نفس خوی نمی‌شدند و در محافظت از اموال یتیمان، سفیهان و مجانین شرط امانت‌داری را به جای می‌آوردند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۸). قاضی عیسی ساوجی آدم متعصب و مذهبی بود و به گفته خنجی تلاش می‌کرد هر آن چه که تا زمان وی به قوانین یاسای چنگیز آلوده شده است، پاکسازی نماید (خنجی، ۱۳۷۹: ۳۳۵). وی تلاش کرد تا سیورغال‌ها را نیز از بین ببرد. خاندان عیسی ساوجی و شیخ علی صدر دو برادر وزیر و قاضی بودند. وی توسط خلیل صوفی کشته شد. قاضی ساوجی تأثیرگذارترین قاضی در دوره تیموری است که در اصلاحات سلطان یعقوب بسیار تأثیرگذار بود و وی تأکید زیادی بر برپایی شریعت اسلامی داشت. قاضی نورالله برادرزاده وی قاضی ساوه بود و مدت‌ها مسند قضاوت خراسان را داشت. وی طبع شعری داشته و انسی تخلص می‌کرد (نویسی، ۱۳۶۳: ۱۴۲).

با توجه به بررسی تطبیقی میزان اختیارات به نظر می‌رسد که میزان اختیارات قاضی قبل و اوائل دوره تیموری بیشتر بوده و دامنه وسیع‌تری را در بر می‌گرفته است. چنان‌چه در نمونه حکم آورده شده در لطائف‌الانشا مواردی مانند "قضا، حکومت، احتساب، خطابت، امامت و تولیت اوقاف و جمع اشغال محال شرعی و مناسبت دینی، توجه به غم‌خوارگی مساجد و معابد و عمارت مدارس و رونق خوانق و سایر بقاع و تقسیمات اوقاف و ضبط و عمل به وقف و احیا قطع خصوصیات فصل شکایات اجرا و امضا احکام فتوی مفتیان دین‌دار. در نمونه حکم همایون‌نامه در اوائل دوره تیموری به توقیع و تاریخ امثله، تدریس مدارس و رعایت ارباب عمائم اشاره شده است (شهاب‌الدین منشی، ۱۳۵۷: ۲۰۸). در منشآت دوره تیموری در دوره بايقرا مانند مروارید، نامه نامی، منشآت ناشناخته، اسفزاری و شرف محتوای احکام تا حد زیادی شباهت دارد و به مواردی مانند اجرای حدود و تعزیرات، عقود انکحه با ولی و بلا ولی، ارث و میراث و ترکات کتابت صکوک و سجلات، تعدیل اوزان و مقادیر و ذراع و عزل و نصب قاضی و عمال دفتری اشاره شده است. فقط در نمونه حکم قضاوت به مهر زدن فتاوی، دعاوی و تنقیح و تصحیح روایات اشاره شده که در دیگر احکام نیست (منشآت ناشناخته، ۹۸). در حالی که منشآت سمرقندی و همایون‌نامه در اوائل دوره تیموری و لطائف‌الانشا و مصباح الرسائل نیز قبل از دوره تیموری به نزدیک‌ترین در حکم شاه شجاع برای شجاع‌الدین مسعود شیرازی علاوه بر اختیارات عمومی قاضی به عزل و نصب قضا و متصدیان شرعی آمده که در دیگر اسناد ذکر نشده است (سمرقندی، ۱۳۷۰: ۱۰۲).

وظایف قاضی در چهار چوب شریعت و فرمان شاه در دوره تیموری می‌توان چهارچوب‌بندی نمود. رویه قضایی مرتبط با مذهب غالب در هر دوره تعریف می‌شود (دستجردی، ۱۳۸۸: ۸۸). در دوره تیموری در برخی از اسناد به مذهب ابوحنفی اشاره شده است. در یکی از نشان‌ها که برای غیاث‌الدین محمد شافعی قاضی هرات صادر شده است ذکر گردیده که با توجه به تعداد زیاد شافعی مذهبان در این دوره ضروری است تا بر مذهب خودشان قضاوت

گرد(مرورید،۱۴۴-۱۴۶). به قضاوت نشستن برخی از شاهان تیموری نیز بعضاً باعث کاهش قدرت و اختیارات قاضی بود خصوصاً در مواردی که دیدگاهی بر خلاف نظر شاه داشت.

مواردی در اسناد قضاوت به صورت اشتراکی واگذار شده که مبنا و دلیل آن مشخص نیست. در فرمان قطب‌الدین و شمس‌الدین محدالامامی که برادر هستند و تاج‌الدین مسعود و عبدالمنصور در شبرغان اشاره‌ای به دلیل انتصاب دو قاضی به صورت همزمان و چگونگی تفکیک وظایف و اختیارات نیامده است. برخی مواقع فرد همزمان دو منصب را با هم به عهده داشته است. چنانچه مولانا عبدالجبار پسر مولانا جلال‌الدین قاینی اشاره با آمدن جهانشاه میرزا به خراسان و شهر هرات و به دستور وی، منصب قضا و احتساب را بر عهده گرفت (طهرانی، ۱۳۵۶: ۳۵).

جدول شماره ۲: بررسی عملکرد قاضیان در دوره تیموری

نوع وظایف	اجرای حدود و تعزیرات	تقسیم زکات	عقود انکحه با ولی و بلا ولی	ارث و ترکات و اموال ایتمام	کتابت صکوک و سجلات	تنقیح روایات و بررسی فتاوی	تعدیل اوزان و مقادیر و ذراع	عزل و نصب قاضی و عمال دفتری
نمونه منشور مصباح الرسائل	*	-	-	-	-	-	-	-
نمونه منشور لطائف الانشا	-	-	-	*	*	-	-	*
نشان قضاوت منشآت ارزنجانی	-	-	-	*	*	-	-	-
نشان قضاوت همایون نامه	*	*	*	*	*	*	-	-
حکم شاه شجاع برای شهاب‌الدین مسعود شیرازی	*	*	*	*	*	-	-	*
نشان قضاوت مولانا نظام‌الدین احمد	*	*	*	*	*	-	-	-
نشان قاضی اختیارالدین حسن	*	-	*	*	*	*	*	-
نشان مولانا تاج‌الدین مسعود و کمال‌الدین عبدالغفور	*	-	*	*	*	-	-	-

-	-	-	*	*	*	*	*	نشان قضاوت مشترک برای قطب الدین و شهاب الدین محمد امامی
-	-	-	*	*	*	-	-	نشان غیاث الدین محمد شافعی
*	*	-	*	*	*	*	-	منشآت اوائل صفویه
حل و فصل و خصومات و رفع دعاوی	رسیدگی به امور مساجد، مدارس و خانقاه ها و معابد	رسیدگی به امور روحانیون و ارباب عمائم	پرهیز از حیف و میل و رشوه گیری	رسیدگی به امور وقفی	تفتیش احوال وکلا و ائمه مساجد و موذنان و عزل و نصب	نوع وظایف		
-	-	-	*	*	-	-	-	نمونه منشور مصباح الرسائل
*	*	-	-	*	*	*	*	نمونه منشور لطائف الانشا
-	-	-	*	-	-	-	-	نشان قضاوت منشآت ارزنجانی
*	*	*	-	-	-	-	-	نشان قضاوت همایون نامه
-	*	*	-	*	-	-	-	حکم شاه شجاع برای شهاب الدین مسعود شیرازی
*	-	-	-	-	-	-	-	نشان قضاوت مولانا نظام الدین احمد در اسفزاری
*	*	-	-	*	-	-	-	نشان قاضی اختیارالدین حسن
*	-	-	-	-	-	-	-	نشان مولانا تاج الدین مسعود و کمال الدین عبدالغفور
*	-	-	-	-	-	-	-	نشان قضاوت مشترک برای قطب الدین و شهاب الدین محمد امامی
*	-	-	-	-	-	-	-	نشان غیاث الدین محمد شافعی

*	-	-	-	*	-	منشآت ناشناخته از اوائل صفویه
---	---	---	---	---	---	----------------------------------

۳. نگارگری دوره تیموری

دوره تیموریان یکی از ادوار درخشان در هنر نگارگری بود. شاهرخ تیموری حامی هنر بود و این امر سبب شد تا پایتخت وی هرات مرکزی برای اجتماعی هنرمندان و حمایت از هنر شود. فرزندان شاهرخ، ابراهیم میرزا، الغ بیگ هر یک به حمایت از هنر پرداختند. از سوی دیگر نوه تیمور اسکندرسلطان در شیراز نیز نقش مهمی در حمایت از هنرمندان داشت. در نقاشی شیراز تحولاتی در هنر نگارگری ایجاد شد که در دوران بایسنقر نیز دوام داشت. بعدها شاهرخ، اسکندر سلطان را از حکومت شیراز برداشت و پسرش ابراهیم سلطان را به حکومت شیراز تعیین کرد. در دوره او عناصر نوشتاری وارد نگارگری شد و تا اواخر سده شانزدهم این ویژگی حفظ شد. فرزند دیگر شاهرخ، بایسنقر به حکومت هرات رسید و از هنرمندان حمایت کرد. او چهل خطاط را به ریاست جعفر نیریزی گرد هم آورد. در زمان او شاهنامه‌ای ترسیم شد. خمسه‌نامه، معراج‌نامه، دیوان خواجوی کرمانی و تاریخ جهانگشای جوینی از نسخه‌های مشهور این دوره هستند (بینیون و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۱). نگارگری تیموری در دوره سلطان حسین بایقرا نیز رونق داشت. بهزاد در دربار او از شأن والایی برخوردار بود. به طوری که به او «سلطان مانی ثانی» لقب دادند. از دیگر نقاشان این دوره می‌توان به روح الله میرک خراسانی و حاجی محمد هروی و شاه مظفر اشاره کرد (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

شاهنامه بایسنقری از مهم‌ترین آثار هنری این دوره است. واقع‌گرایی از مختصات نگارگری در این دوره بود. بهزاد در این دوره تک پیکره‌ها و تک نگاره‌ها را به وجود آورد. در تمامی نگاره‌های این دوره می‌توان به مشاغل موجود، پوشش مردم و نحوه حضور مردان و زنان در جامعه تا حد بالایی پی برد. زنان در این نگاره‌ها حضور چندانی ندارند. پوشش رایج مردان و زنان در جامعه مشتمل بر دستار یا کلاه‌ی بر سر، بالاپوشی آستین دارد یا با آستینی کوتاه بر تن، در رنگ‌های مختلف بودند. در این مقطع تاریخی میل به بدیع‌سازی در آثار بهزاد و دیگران عامل مهم میل به واقع‌گرایی بود. از تحولات نگارگری در این دوره، ورود جزییات روزمره به عنوان موضوعی مورد پسند برای نقاشی است و گرایش خود هنرمند به تصویر صحنه‌های عادی او را واداشت تا صحنه‌هایی ملموس برای بیننده بیافریند. در مکتب تیموری علت‌های تمایل به موضوع‌های روزمره و واقع‌گرا، نوگرایی، تأثیر از هنرمندان غرب و شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن دوره بوده است (آفرین، ۱۳۸۹: ۵۹-۵۵).

۴. نقش قاضیان در اعتلای فرهنگ و هنر در دوره تیموری و انعکاس آن در نگارگری این دوره

خراسان و خصوصاً هرات از زمانی که شاهرخ تیموری آن را به عنوان پایتخت خود برگزید به قطب فرهنگی شرق ایران تبدیل شد. همه کس از همه جا برای تحصیل دانش به هرات می‌آمد و کسی از آن شهر، اهل ذوق و صاحبان علم و

هنر بیش از چهارصد فرسخ راه طی می‌کردند تا از این موهبت برخوردار گردند(نوایی، ۱۳۶۳: ۶۵). بسیاری از امرای شاهرخ از نزدیک با زندگی شهرها، حمایت از ساختمان‌های مذهبی جلسات شیوخ و علما هر دو سروکار داشتند. دو امیر قدرتمند وی یعنی علیکه و فیروزشاه اعضای فعال و آشکارا رقیب در دیوان بودند و در امور فرهنگی و هنری نیز دخالت داشتند(منز، ۱۳۹۳: ۱۹۵). فراهم شدن زمینه کارهای عام‌المنفعه که یکی از نمودهای مهم آن ساخت بنا با کارکرد خیریه می‌باشد باعث شد تا طیف وسیعی از طبقات مختلف اجتماعی صدور، وزرا و حتی امرای نظامی اقدام به انجام کارهای فرهنگی و هنری بنمایند که در این میان قاضیان نیز به عنوان یکی از اقشار تأثیرگذار در این دوره اقداماتی انجام داده‌اند.

یکی از ویژگی‌های مهم قاضیان دوره تیموری نویسنده و شاعر بودن آن‌هاست که برخی به جودت طبع و شعر نیکو ستوده شده‌اند. یکی از این قاضیان اختیارالدین حسن حسینی تربتی است. علیشیر نوایی در مجالس النفایس ترکی، ذیل سید اختیار از وی با نام «سید اختیار» یاد می‌کند و او را جوانی خوش طبع و نیک‌رفتار می‌خواند(نوایی، ۱۳۶۳: ۹۵). قاضی اختیار شاعر نیز هست و دیوان غزل اختیار، شامل ۴۰ غزل در ۲۷۰ بیت نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و مثنوی عدل و جور، به فارسی، شامل هزار بیت که به نام شاه اسماعیل اول صفوی سروده شده، و از آثار اواخر عمر اختیارالدین است(صفوی، ۱۳۸۴ ج ۱: ۹۵). علاوه بر آن شماری ماده تاریخ از قاضی اختیارالدین مانند دو بیت شعر با ماده تاریخ «ساقی کوثر» به مناسبت پایان ساختمان حوض پای حصار هرات در ۹۲۷ق(نوایی، ۱۳۶۳: ۵). یک دو بیتی با ماده تاریخ «منبر بسنگ مرمر» به سبب پایان ساختن منبر مسجد جامع هرات به دستور امیرعلی شیرنوایی(خواندمیر، ۱۳۵۳: ج ۱/۵۶) و بیت شعر با ماده تاریخ «دهم شهر ربیع الاول» و بیت به عربی با ماده تاریخ «بانی الخیر» هر دو به مناسبت مرمت مسجد جامع هرات به دستور امیرعلیشیر نوایی سروده است(واصفی، ۱۳۴۹: ۹۱/۱). در منابع آمده است قاضی اختیار ضمن قضاوت در مدرسه‌های «خواجه ملک زرگر» و «اخلاصیه هرات» تدریس می‌کرد. تصویر شماره ۱، به مجلسی شاعرانه در درباره تیموری اشاره دارد که حضور علما و قضات نیز در آن مشهود است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۱: تصویری از تیمور لنگ در یکی از باغات سلطنتی. (مآخذ: ویلبر، ۱۳۸۷: ۷۷).

به هنگام تصدی امور فتوا و تکفل قضای هرات از وی خواسته شد تا کتابی به فارسی درباره آداب و رسوم آن امور بنویسد و وی مطالب این نسخه را از کتاب‌های فتاوی بیرون کشیده، و نوشته است. این کتاب درباره شیوه قضاوت و منابع مورد استفاده قضات در دوره تیموری واجد ارزش است. قاضی اختیار کتاب مهم دیگری به نام اخلاق همایونی دارد که برای بابر تألیف نموده است و نشانه خط مشی فکری و سیاسی وی می‌باشد (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۹۴: ۵۹-۷۰). با توجه به اطلاعات منابع تاریخی و منشآت مشخص می‌گردد که شاه در رأس ساختار سیاسی نقشی محوری در نظام قضایی بر عهده دارد. در تصویر شماره ۲، نگاره‌ای است که دربار تیمور منعکس شده است. حضور علما در دربار وی می‌تواند بازتابی از اهمیت نظام قضا در این دوره باشد.



تصویر ۲: دربار تیمور. کتاب ظفرنامه تیموری ۹۳۵ ه. ق. مأخذ: (رجبی ۱۳۸۴: ۹۲)

مولانا معین‌الدین فراهی برادر امجد قاضی نظام‌الدین محمود و دارای کمالات و فضائل بسیاری بود وی علاوه بر زهد و تقوا، خطاط نیز بود و اکثر خطوط را در غایت جودت و کمال می‌نوشت. نسخه از تفسیر حدائق الحقایق در کتابخانه ملی ملک موجود است، این نسخه عبارت از جزواتی است که به خط شکسته تعلیق منشیانه و زیبایی بر روی کاغذ بخارائی نخودی رنگ نوشته شده و به پاره قرائن مشهوده به خط خود معین‌الدین فراهی می‌باشد. وی بعد از فوت برادر مدتی به به اصرار قاضی بود و از آن استعفا نمود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۱). فراهی گوینده‌ای توانا و سخنوی ماهر بوده است، مدت چهل سال به مطالعه تفسیر قرآن و احادیث پیامبر اسلام و کتاب‌های فرهنگ اسلامی پرداخته و آنچه از آن کتاب‌ها به دست آورده و مناسب می‌دید و در ضمن وعظ و سخنرانی در بالای منبر مسجد جامع هرات که مسند آباء و اجداد او بوده، برای شنوندگان بازگو می‌کرد. دیوان اشعار معین‌الدین فراهی مشهور به ملامسکین که در این کتاب گردآوری و تصحیح شده، بعد از تحمیدیه، در بردارنده ۱۸۴ غزل، ۳۱ مثنوی، ۵۲ قطعه و ۶۶ رباعی است (فراهی، ۱۳۹۵: ۴). وی مدت یکسال قضاوت نمود و در مزار خواجه عبدالله انصاری در مقبره قضاة دفن گردید. از آثار وی می‌توان به معارج النبوه اشاره کرد (واعظ، ۱۳۸۶ ق: ۱۵۶). پدر آنها نیز در مدرسه نظامیه به درس مشغول بود و داستان سختگیری نسبت به مال وقف و تنبیه پسرانش توسط واصفی آورده شده است (واصفی، ۱۳۵۰: ۱۶۰/۲-۱۶۲). در نگاره شماره ۳ که مربوط به جلسه تاجگذاری سلطان حسین تیموری است، از همان بدو با تفویض اختیارات به علمای مذهبی نقش مهمی در ایجاد نظم و عدالت اجتماعی داشت.



تصویر ۳: نگاره سلطان حسین و علما. مکتب هرات، قرن نهم هجری. منبع (سراوانی، ۱۳۹۴: ۱)

همان‌گونه که در مباحث پیشین اشاره شد نگارگری این دوره بخشی از تحولات زندگی اجتماعی و فرهنگی این دوره را نیز به تصویر کشیده است. نگارگران کوشیده اند با واقع‌گرایی در نزدیک ساختن نقاشی‌های خود به زندگی روزه گام مهمی بردارند.

نتیجه‌گیری

منصب قضاوت در فرهنگ اسلامی آمیختگی نزدیکی با مسئله مذهب و شریعت دارد. بنابراین در دوره حکومت‌های اسلامی به این سمت اهمیت ویژه‌ای می‌دادند. در دوره تیموری نیز که یکی از ادوار درخشان در تاریخ فرهنگ و هنر اسلامی بود، منصب قضاوت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. در این پژوهش به کارکرد قاضیان، شیوه انتصاب آن‌ها و نقش آن در گسترش فرهنگ و هنر دوره تیموری پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخی کارکردهای قضاوت در این بازه زمانی به تدریج متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی تغییر یافته است. مبنای قضاوت و شیوه استفتا از احادیث و اقوال صحابه به تدریج عوض شده و برخی توصیه‌های جدید در استفاده از اقوال ائمه هدی در اوائل صفویه جانشین شده است. میزان اختیارات و تاکید بر اختیارات قاضی و برخی جنبه‌های عمومی شخصیتی قاضی مانند پرهیز از رشوه، رعایت عدل در شنیدن دعاوی طرفین و در نظر گرفتن احکام قبلی در همه به نوعی تأکید شده است. به دلیل پایگاه اجتماعی و وجود ویژگی‌ها و استعداد شخصیتی برخی از این قاضیان آن‌ها در زمره نویسندگان و شعرا قرار گرفته‌اند. معین‌الدین فراهی و قاضی اختیارالدین حسن علاوه بر قاضی برخی از ویژگی‌ها مانند شاعر بودن،

نویسنده بودن و خطاط بودن، خطیب بودن را نیز داشته‌اند. به موازات رشد فرهنگ اسلامی در این دوره، هنر نگارگری نیز در این دوره از رونق به‌سزایی برخوردار بود. با توجه به مضماین فرهنگی و اجتماعی موجود در این آثار، به منصب قضاوت نیز پرداخته شده است.

منابع:

کتاب‌ها:

- آزند، یعقوب. (۱۳۸۷). مکتب نگارگری شیراز، تهران: فرهنگستان هنر.
- ارزنجان، شرف‌الدین طیب. نسخه منشآت، شماره ارجاع در کتابخانه: ۵۱۷۳۴۳. کتابخانه و موزه اسلامی.
- اسفزاری، معین‌الدین. ترسل. شماره ارجاع در کتابخانه: ۱۳۷۱۸، کتابخانه و مرکز اسناد اسلامی.
- العنبری، عبدالله. (۱۳۶۶). منصب قضاوت قاضی القضاات در دوره عباسی تا دوره سلجوقی. بیروت: دارالعربیة.
- الهیاری، فریدون؛ دستجردی، سمانه و علیپور، وحید. (۱۳۸۰). قضاوت در دوره سلاطین تیموری، تاریخ ایران و اسلام، شماره ۱۲، ۲۰-۶.
- بوات، جو. (۱۳۸۴). تاریخ مغولان. تهران: انتشارات آزاد مهر.
- بینیون، لورنس و دیگران. (۱۳۸۳). سیر تاریخ نگارگری در ایران، تهران: امیرکبیر.
- توسی، ناصرالدین. (۱۳۵۶). دیاربکر. تهران: کتابخانه طاهری.
- جامعی، کوده. (۱۳۸۱). نظام قضایی ایران در دوره اسلامی. تهران: نی.
- جمال‌الاسلامی، محمد بن علی. (۱۳۵۸). همایون. همایون فرخ، تهران: دانشگاه ملی.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین. (۱۳۷۲). زبده التواریخ. تصحیح سید کمال حاج سیدی. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی تربتی، ابوطالب. (۱۳۴۲). تزوکات تیموری. تهران: کتابفروشی اسدی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۷۲). حبیب‌السیر. تصحیح میرهاشم هادیان، تهران: فرهنگ.
- خنجی، روزبهان. (۱۳۷۹). عالم‌آرای امینی. تصحیح مسعود شریفیان. تهران: علمی.
- رجب زاده، هاشم. (۱۳۵۵). فرهنگ مذاهب خواجه الرشیدالدین فضل‌الله همدانی. تهران: توس.
- ساکت، محمد. (۱۳۷۶). سازمان قضایی در جهان اسلام. مشهد: شماره ۳۷ و ۳۸.
- ساکت، محمد. (۱۳۶۴). سازمان قضایی در اسلام. مشهد: آستان قدس رضوی.
- سپهری، محمد. (۱۳۹۴). مذهب شیعه در دوره حاکمان تیموری. تهران: مطالعات اسلامی.
- سامعی دستجردی، معصومه. (۱۳۸۸). سیستم قضایی در دوره تیموری. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- سمرقندی، نصرالله. نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ۲۱۸.
- سمرقندی، عبدالرزاق. (۱۳۷۲). مطلع‌السعدین. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- طهرانی، ابوبکر. (۱۳۵۶). دیاربکر. تهران: طاهری.
- کاشفی، حسین. شماره نسخه: ۵۹۱۱، کتابخانه پارلامنت.
- مجیدی. محمد. شماره سند ۹۷۳۸۵، کتابخانه و موزه مرکز.
- مؤلف مجهول، نسخه به شماره ۱۶۳۵۴، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس

مؤلف مجهول، نسخه به شماره ۸۵۵۲۹، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس.

نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۶۳). اطلاعات از دوره تیموری. تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری.

ویلیبر، دونالد. (۱۳۸۷). باغ های ایرانی و کوشک های آن، مترجم مهین دخت صبا، تهران: علمی و فرهنگی.

هریتاج، پریچهر. (۱۳۶۸). آرامگاه های هرات. تصحیح عبدالله حسینی. هرات: عبدالله حسینی.

یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). شعر معاصر در دوره شاهرخ. تهران: دانشگاه تهران.

مقالات:

آفرین، فریده. (۱۳۸۹). «تحلیل واقع گرایی در نگارگری ایرانی از دوره تیموری تا قاجار». مطالعات هنر اسلامی،

شماره ۱۲، صص ۷۲-۵۳.

سراوانی، فهیمه. (۱۳۹۴). «سیر تحول نماد تاج و صحنه های جلوس شاهانه در نقاشی ایرانی». دومین کنفرانس بین

المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی